



ما خواهان آزادی بی قید و شرط رضا شهبازی و تمامی فعالین کارگری هستیم

همانطور که در شمار اول گانه نامه نوشتیم، قصد داریم تجربیات کنترل کارگری در ایران و جهان را گردآوری کرده و انتشار دهیم. در این راستا مطلب زیر را برای انتشار انتخاب کردیم.

## نمونه ای از اشغال کارخانه و مدیریت کارگری

برادر بودند به نام بروکمن. در سال های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ کارخانه با مشکلات مالی شدیدی مواجه شد. وقتی وضع کارخانه خوب بود حدود ۳۵۰ کارگر در آن اشتغال داشتند. بحران کارخانه در سال ۲۰۰۰ شدت گرفت. صاحبان کارخانه ماه ها حقوق کارگران را نپرداختند و این امر باعث درگرفتن بحث و جدل در میان کارگران نیز شد. حاصل بحث ها و چاره اندیشی ها عبارت بود از اشغال کارخانه و تأسیس تعاونی که در حال حاضر کنترل کل فعالیت کارخانه را در دست دارد.

بروکمن تنها کارخانه ی اشغال شده در آرژانتین نیست، تعداد آنها به حدود ۲۰۰ کارگاه و کارخانه می رسد. فیلم «اشغال» (The Take) ساخته نوامی کلاین و آوی لویس می تواند مرجع مناسبی برای آشنائی بیشتر با این جنبش باشد.

### ترویج، قدیمی

سوال: از چه زمانی بحران کارخانه آغاز شد و عکس العمل کارگران چه بود؟

یوری فرناندز: این بحران از سال ۹۶ آغاز شد و در سال ۲۰۰۰ بسیار شدت پیدا کرد. در اواخر سال ۲۰۰۰، در ماه نوامبر ما از اوضاع کارخانه با خبر شدیم. کارخانه مقروض

نویسنده: فلیسیتاس ترویج - بهرام قدیمی چهارشنبه ، ۹ آذر ۱۳۸۴؛ ۳۰ نوامبر ۲۰۰۵

مصاحبه با یوری فرناندز از رهبران کارگران لباسدوزی بروکمن - آرژانتین  
۹ فوریه ۲۰۰۵ - بوئنوس آیرس، آرژانتین

نولیبرالیسم و تسلیم در برابر آن حکم قضا و قدر نیست. می توان در برابر آن مقاومت کرد و دست کم در مواردی از پیشروی آن جلوگیری نمود یا آن را به عقب نشینی هایی واداشت. چنانکه می توان و باید به راه حل های نو در پیکار مقاومت اندیشید. آمریکای لاتین آزمایشگاه انواع مقاومت ها و طرح بدیل ها ست. مصاحبه زیر که در کارخانه بروکمن و با حضور چند تن از کارگران صورت گرفته گوشه ای از مقاومت و ابتکار کارگری را نشان می دهد و شاید بتواند برای کارگران ایران نیز به عنوان یکی از اشکال مبارزاتی مطرح باشد. ارائه اینگونه تجربیات که جنبه تهاجمی مبارزه کارگری را در آرژانتین بازتاب می دهد، شاید بتواند به مبارزه دشوار کارگران ایران که مبارزه شان هنوز عمدتاً تدافعی ست یاری رساند.

باری، شرکت بروکمن، از سال های ۱۹۵۰ لباس مردانه و زنانه تولید می کند. این کارخانه با رشد کمی و کیفی خود بسیار معروف و معتبر بود. صاحبان اصلی کارخانه، سه

بود و اوضاع داشت به جانی می کشید که آنرا به طلبکاران واگذار کنند.

در آن زمان کارخانه را برای ۱۵ روز تعطیل کردند. بعد صاحب جدیدی پیدا کرد به نام سرژ. کارخانه را دوباره گشودند. پس از آن تمام سال را کار کردیم. در سال ۲۰۰۱ متأسفانه شرایط دیگر به هیچ وجه مناسب نبود، بسیاری را اخراج کرده بودند. ۱۱۵ کارگر بودیم که همچنان تا ۱۸ دسامبر کار می کردیم.

کارخانه بین ماه های ژوئن و ژوئیه ۲۰۰۱ به لحاظ اقتصادی سقوط کرد. قبل از آن هم شرکت حقوقمان را نمی پرداخت. به ما مقروض بود، عیدی و حق فرزند نمی پرداختند، مزایای اجتماعی دیگر وجود نداشت. به جای پول به ما هر هفته ۱۵۰ پزو کوپن می دادند، همین هم به تدریج کم شد، اول ۸۰ بعد ۷۰ پزو، ۵۰ پزو، ۳۰ پزو و تا به حد تحقیرآمیز ۲ پزو در هفته رسید. وضع واقعاً تحقیرآمیز بود. این قضیه در آخرین هفته قبل از ۱۸ دسامبر اتفاق افتاد. به ما ۲ پزو کوپن دادند. جمعه بود، به ما گفتند که سه شنبه برگردیم تا به ما کوپن بیشتری بدهند. ولی این حالت پیش نیامد. دوشنبه کسی کار نکرد. سه شنبه به این امید رفتیم تا چند پزویی به خانه ببریم. این طور نشد. وقتی وضع انفجاری شد، صاحبان کارخانه پیدایشان نشد. درست همین روز بود. کارگران را در فقر رها کردند. بدجور بدهی بار آورده بودند، نه تنها به کارگران، بلکه همچنین به بانک ها و نهادهای مالی مختلف. کارخانه دیگر ورشکسته بود و در اختیار طلبکاران قرار داشت. خودتان بهتر می دانید که سرمایه داران در این اوضاع چطور عمل می کنند.

خب، این شرایط پیش آمد و ما آن روز در کارخانه ماندیم. در انتظار آن که صاحبان کارخانه بیایند و بدهی شان را به ما بپردازند. نیامدند. در آن روز داستان دیگری شروع شد. داستانی که به واقعیت پیوست. داستانی که دیگر بسیاری با آن آشنا هستند. ولی لحظات بسیار سختی داشتیم، بار بحران اقتصادی بر دوشمان بود، گرسنگی کشیدیم، بیمار شدیم و خیلی بلاهای دیگر.

اواخر سال ۲۰۰۱ بود و دو روز قبل از سقوط د لا روا. ما هم بخشی از این تغییر سیاسی در کشور بودیم. سال ۲۰۰۱ اینطور به آخر رسید. سال ۲۰۰۲ در حالی آغاز شد که درهای کارخانه بسته بود. کارگران بدون پول. تنها کاری که از دستمان بر می آمد کارزار تبلیغی بود. ابتدا در پایتخت، بعد گام به گام در سراسر کشور، و تا جایی که به سطح بین المللی رسید. تنها راه خروج از این شرایط، کارکردن بود. می بایستی کارخانه را به راه می انداختیم و پس از یکماه تعطیل، راه اندازی مجدد کارخانه عمل بسیار دشواری بود. مجمع عمومی برگزار کردیم و در آن بحث های زیادی شد. بسیاری از رفقا نظرشان این بود که کارخانه را به راه بیندازیم و برخی هم مخالف بودند. می گفتند سخت است، و از این بابت می ترسیدند، و از طرف دیگر برای مالکیت خصوصی احترام قائل بودند. این موضوع بحث ما بود و

دست آخر شروع کردیم به تولید. از نو همه افراد باقی مانده را سازمان دادیم. کمیسیون های مختلف تشکیل دادیم، یک کمیسیون برای تولید، یک کمیسیون برای ایمنی و حفاظت، یک کمیسیون برای فروش و یک کمیسیون اقتصادی که تمام دخل و خرج را کنترل می کرد. این طور کار را شروع کردیم. وقتی کارخانه به راه افتاد، مشکلات مالی خانواده ها را برطرف کردیم. حتی ۷۰۰۰ پزو بدهی کارخانه به شرکت برق و گاز را هم پرداخت کردیم. چرا می بایستی می پرداختیم؟ چون می خواستیم برق داشته باشیم تا بتوانیم تولید کنیم. با تمام افرادی که باقی مانده بودند کار کردیم. روشن است که بسیاری با ما نماندند. ۵۰٪ بیرون رفتند. از ۱۱۵ نفر حدود ۵۰ نفر باقی مانده بودیم، بقیه رفتند چون با اشغال کارخانه موافق نبودند. آن ها با مبارزه ای که پیش می بردیم موافقت نداشتند و به همین دلیل هرگز با ما همراه نشدند. آن ها که ماندند، مبارزه کردند و رنج کشیدند. شرایط سختی را پشت سر گذاشتیم و گام به گام به این جا رسیدیم. مهمترین نکته برایمان حفظ کارمان بود، مبارزه ای برای حیثیت انسانی مان. با آن که آرژانتین در شرایط بسیار سختی بسر می برد، برای ما داشتن کار و از این طریق پیش بردن زندگی، امری حیاتی بود.

**سؤال:** لطفاً برای مان کمی از بحث هایتان بگوئید، چطور کارخانه را اشغال کردید و دلایل اشغال کردن یا نکردن کارخانه که مطرح می شد چه بود؟

**پوری فرناندز:** در دسامبر ۲۰۰۱ من در رابطه با سندیکا و نیز کارگران و صاحبان کارخانه نماینده کارگران بودم و چون کارخانه نه به ما عیدی می داد و نه حق مرخصی و نه چیز دیگر، و همچنین به علت مطالبات مربوط به دستمزد و غیره، با رئیس بخش پرسنل و صاحبان کارخانه و حتی سندیکا درگیری داشتیم. می رفتم سندیکا و از شرایط این جا شکایت می کردم، ولی هیچگاه سندیکا کمکی به ما نداد. سندیکا عملاً به اربابان تعلق داشت، نه به کارگران. از سوی دیگر ما در جلسات کوچک مان نمی دانستیم با کارخانه و با "قرض و قوله" های آن چکار کنیم.

نتیجه گیری ما این بود که باید مبارزه کنیم تا بدهکاریشان را به ما بپردازند. آن گاه همراه با رفقای که از همان اول به من، به عنوان نماینده کارگران، یاری رساندند به این ایده رسیدیم که صاحبان کارخانه را از عاقبت کارشان بترسانیم و آنها را همه جور تحت فشار قرار دهیم. این همان زمانی ست که صاحبان کارخانه، آن را به حال خود رها کردند، ولی ما نمی توانستیم بی برنامه کارخانه را ول کنیم. در چنین حالتی بود که بحث با رفقا در مورد این که کارخانه را به کار بیندازیم شروع شد. ما می گفتیم این تنها شکلی ست که می توانیم زندگی مان را پیش ببریم، در غیر اینصورت خواهیم مرد. اما برخی از رفقا می گفتند: "کارخانه مال ما نیست، هیچ حکمی از قاضی دریافت نکرده ایم، کارمان غیرقانونی

شده بود، ما با پیگیری بیشتری برخورد کردیم. در مبارزه در سطح ملی و بین المللی نمونه شدیم، اولین گروهی بودیم که لایحه قانون مصادره را تقدیم مجلس کردیم. اول قبول نمی کردند، ولی بعد به خاطر اینکه افکار عمومی از ما حمایت می کرد این قانون به تصویب رسید که بر اساس آن محل کارخانه، خود کارخانه و ماشین آلات آن به عنوان رهن به مدت دو سال در اختیار ما قرار دارد. به خاطر همین قانون تعاونی تشکیل دادیم.

**سؤال:** پس از طی این دو سال تکلیف کارخانه چیست؟

**یوری فرناندز:** دقیقاً اواخر سال گذشته بود... همان طور که گفتم پنج شش تعاونی بودیم که این قانون شامل حالمان می شد. طرح دیگری نیز وجود داشت که سالهای بیشتری را برای کمک به کارخانه های جبران و ترمیم شده [recuperado] اصطلاحی ست که در مورد کارخانه های اشغال شده توسط کارگران و مجدداً راه اندازی شده به کار می رود- م] در نظر می گرفت. بر اساس این قانون با پرداخت اقساط معقول و سبک، کارخانه پس از بیست سال به ما تعلق خواهد داشت. کارخانه را ارزش گذاری می کنند و بهای آن به اقساط ۲۰ ساله تقسیم می شود.

**سؤال:** آیا کوششی برای ایجاد تفرقه و انشعاب هم بین شما صورت گرفت؟

**یوری فرناندز:** ایدئولوژی یا سیاستهای مان گاه با هم فرق دارد که بر سر آنها بحث می کنیم. گاهی هم در عدم حضور آقا بالا سر با هم خوب راه می آیم. متفقاً و در اتحاد با هم کار می کنیم. چطور بگویم، هرچه برق می زند که البته طلا نیست. گاهی مشکلات کوچکی هم با هم داریم، ولی در مجمع عمومی رویش بحث می کنیم. مسئله اصلی ما پیشبرد وضعیت کارخانه است، می دانیم با تولید، بهسازی کیفیت، و کار مسئولانه تر می توانیم به هدف برسیم. در این مسیر گام بر می داریم. هدف ما این است که کارخانه به حداکثر توان تولیدی اش برسد. روشن است که با سازماندهی مناسب می توانیم به آن برسیم.

در اوایل، قبل از آن که کارمان شکلی قانونی بیابد، وقتی درگیری به دادگاه کشید، از سوئی اربابان بودند و وکلایشان که برای باز پس گرفتن کارخانه می جنگیدند، و از سوی دیگر ما بودیم که برای ادامه کار کارخانه مبارزه می کردیم. اقدامات غیرقانونی صاحبان کارخانه، یعنی شیوه مدیریت نادرست آن ها، به نفع ما شد.

آن ها به بانک و دولت بدهکار بودند. از سوی دیگر قانون حسابرسی معین می کند که هر دو سال یک بار باید دفاتر حساب و کتاب کارخانه به حسابدار نشان داده شود، و آن ها سال ها بود که این کار را نمی کردند. ما یک تیم وکالت داریم که برای کارکردن با ما آمدند. این زمانی بود که

ست، پلیس می آید و بیرونمان می کند، نمی توانیم تولیداتمان را بفروش برسانیم، و ....". بیش از هرچیز از صاحبان کارخانه می ترسیدند. ولی بقیه می گفتیم این طور نیست. می گفتیم از گرسنگی خواهیم مرد، ما خانواده داریم، تازه اربابان به ما بدهکارند و حق داریم کنترل کارخانه را بدست گرفته، کار کنیم. سرآخر در رأی گیری اکثریت آوردیم و با این تصمیم کار را شروع کردیم.

**سؤال:** وقتی کارخانه اشغال و تولید آغاز شد، عکس العمل سندیکا و دولت در مقابلتان چه بود؟

یوری فرناندز: سندیکا هرگز اینجا خودش را نشان نداد. از همان لحظه اولی که از اشغال کارخانه باخبر شدند، تا زمانی که وزارت کار احضارمان کرد، آقایان رؤسای سندیکا در وزارت کار حضور داشتند، ولی هرگز به ما کمکی نکردند. آمدنشان به هیچ دردی نمی خورد، از همان زمان ما راه مان را از سندیکا جدا کردیم. ما دیگر به سندیکا وابسته نیستیم.

در رابطه با دولت...، سه بار از اینجا بیرون مان کردند، در سه مرحله. پلیس همراه پیاده نظام و سرباز آمد. باز برگشتیم. کار درست ما وصل شدن با رفقای دیگری بود که مانند خود ما مبارزه می کردند: رفقای مانند بیکاران، شوراهای توده ای، دانشجویان، و... بنا بر این با کمک همه این رفقا مجدداً کارخانه را پس گرفتیم.

**سؤال:** احزاب سیاسی چطور؟

**یوری فرناندز:** روشن است احزاب سیاسی چپ هستند که با چنین مبارزاتی ابراز همبستگی می کنند و به لحاظ اقتصادی هم یاری می رسانند. آنها خود را با ما همبسته می دانند، برای مان کارزار تبلیغاتی راه انداختند. آن ها تنها احزابی بودند که به کمک ما آمدند.

**سؤال:** در حال حاضر چند نفر در کارخانه کار می کنند؟

**یوری فرناندز:** در حال حاضر تعاونی ما ۶۲ عضو دارد.

**سؤال:** چه تعدادی زن و چه تعدادی مرد هستند؟

**یوری فرناندز:** اکثریت با زنان است، آنان حدود ۸۰٪ می شوند.

**سؤال:** به لحاظ قانونی وضعیت شما چیست؟

**یوری فرناندز:** ما چند تعاونی هستیم. پس از سه سال در مجلس به مصادره رأی دادند. در پایتخت پس از بحران سال ۲۰۰۱ پنج یا شش کارخانه وجود داشت که به حال خود رها

از شما بسیار سپاسگزاریم.

آدرس یوری فرناندز را برای علاقه مندانی که مایل به تماس با وی باشند در اینجا می آوریم:

**Yuri Fernandez**

**Bruckman**

**Calle Jujuy #554**

**Buenos Aires, Argentina**

**با امید به کسب قدرت همه کارگران و**

**زحمتکشان هم در تولید و هم در سیاست**



**یاد جان باختگان اعتراض کارگری خاتون آباد ریاحی،**

**جاویدی، مهدوی، مؤمنی و دانش آموز پور امینی بدست**

**نیروهای سرکوبگر سرمایه را گرامی میداریم**



**گزارشی از مهیار کارگر بازنشسته ذوب آهن به کانال جدید**

**ما موفق شدیم سه ماه دستمزد عقب افتاده مان را بگیریم**

سرانجام بعد از مدتی تلاش و مبارزه و جمع شدن و پیکت کردن، چهارشنبه ۲۸ دی ماه توانستیم ۳ ماه دستمزدی که طلب داشتیم را بگیریم. بیست روز قبل بود که باز از

وکلاهی دیگر گوششان را می گرفتند تا صدایمان را نشنوند. به نفع ما و به ضرر صاحبان کارخانه اتفاقات زیادی افتاد. به خاطر همه این ها بود که به ورشکستگی کارخانه رأی دادند. با ورشکستگی، پیش نویس لایحه قانون مصادره تقدیم مجلس شد. بنا بر این کارها گام به گام پیش رفت. پس از آخرین باری که از کارخانه بیرون مان ریختند، یعنی از ۲۱ آوریل ۲۰۰۳ در میدانچه مقابل کارخانه چادر زدیم. هشت ماه در خیابان بسر بردیم و در تمام این مدت با دولت مذاکره می کردیم. به عبارت دیگر در دوران دوله (رئیس جمهور سابق) بیرون مان ریختند و در دوره کرشنر (رئیس جمهور جدید) کارخانه را بازپس گرفتیم. بعد با نماینده دولت کرشنر صحبت کردیم. دلایل مبارزه مان را با آنان در میان گذاشتیم. در آن لحظه نمایندگان دولت طرف اربابان را نمی گرفتند. وسط بودند و به لحاظ سیاسی می ترسیدند. درگیری ما پیش درآمد گام های بزرگتری بود، مبارزه تا آخرین نتایجش. ما راه پیمائی و تظاهرات راه انداختیم، راه بندان بوجود آوردیم، به سمت مجلس راه پیمائی کردیم، به دادگاه عالی رفتیم و به میدان مه، و دوبار به "کاخ صورتی" رفتیم تا با رئیس جمهور حرف بزنیم. برای بازستاندن کارخانه همه کاری کردیم. این همان چیزی ست که دولت و رژیم از آن می ترسند. بر اثر مبارزات ما دیگران هم جان می گرفتند. قاضی به نفع ما نبود، بلکه گام های قانونی ما کار را به این جا کشاند.

**سؤال:** رابطه کارگران کارخانه های دیگر با شما چگونه است؟

**یوری فرناندز:** طی مبارزه مان، با همه اقشاری که مبارزه می کردند رابطه بسیار خوبی داشتیم. نه فقط با کارگران کارخانه های اشغال شده، بلکه با دانشجویان، بیکاران، «پیکه ته رو» ها که آن ها هم در حال حاضر بیکارند [نگاه کنید به مصاحبه با لوئیز آنخل دلایا در سایت [www.peykarandees.org](http://www.peykarandees.org). اینجا دو بار همایشی با کارگران کارخانه های اشغال شده برگزار کردیم، یکی هم در شهر رزاریو داشتیم. همیشه با کارگران دیگر رابطه ای بسیار خوب داشتیم، زیرا می دانیم هم طبقه ای های خود ما هستند.

امروزه وقتی به کارخانه نظر می کنیم، متوجه می شویم که به خاطر شیوه ای که کارها را پیش برده ایم، وضع عوض شده و بخشی از کارگران کارخانه آگاهی طبقاتی بیشتری به دست آورده اند و به همین دلیل به افرادی که مبارزه شان را ادامه می دهند، یاری می رسانیم: به کارگران قطار زیرزمینی که با صاحبکارشان درگیرند، به کارگران تلفن که اخیراً در مبارزه علیه دولت پیروز شدند، همچنین به کارگران راه آهن، و از این طریق به تمام بخش هایی که همچنان دارند مبارزه می کنند. به آن ها کمک می کنیم، چون آن ها هم به همین شکل با ما رفتار کردند.



## اخبار کارگری

### بازداشت و احضار فعالین تبریز

اداره ی اطلاعات تبریز در اقدامی غیر قانونی، طبق عادت پلیسی جمهوری اسلامی ظهر روز یک معمول نیروهای زمانی و احضار شنبه ۲۵ دی ماه اقدام به بازداشت شاهرخ محمد جراحی، نیما پوریعقوب و ساسان واهی و ش کرده بود

با گذشت سه روز از بازداشت مجدد شاهرخ زمانی فعال کارگری در تبریز هم چنان اطلاعی از وضعیت وی در دست نیست. با توجه به عدم انتقال وی به بند عمومی زندان مرکزی تبریز به نظر می رسد بازداشت وی نه برای اجرای حکم ۱۱ سال زندان که در مرداد ماه سال جاری برای وی در نظر گرفته شده بود، بلکه جهت پرونده سازی جدید علیه او انجام شده است. شایان ذکر است شاهرخ زمانی به رفقا و خانواده ی خود اعلام کرده بود که در صورت بازداشت مجدد همانند دور گذشته ی مدت بازداشت برای اعتراض به محاکمه و زندانی کرد خود که هیچ گاهی مرتکب نشده است، دست به اعتصاب غذای نامحدود خواهد زد.

یادآوری می کنیم که شاهرخ زمانی، محمد جراحی، نیما پوریعقوب و ساسان واهی و ش فعالان کارگری و دانشجویی چپ تبریز در خرداد ماه امسال بازداشت و در مرداد ماه از طرف شعبه ی یک دادگاه "انقلاب" تبریز مجموعاً به بیست و دو سال و نیم زندان محکوم شدند. این فعالین به تدریج و با صدور قرار وثیقه به طور موقتی از زندان تبریز آزاد شدند.

به نقل از: کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

۲۷/۱۰/۱۳۹۰



ممانعت از مداوای بهنام ابراهیم زاده کارگر زندانی

بر اساس خبر ارسالی به کمیته هماهنگی، بهنام(اسعد) ابراهیم زاده فعال کارگری عضو کمیته پیگیری و فعال جنبش لغو کار کودک که در بند ۳۵۰ زندان اوین محبوس

اصفهان و شهرهای مختلف اصفهان مقابل مجلس جمع شدیم و بر خواستهایمان تاکید کردیم. تا اینکه دولت زیر فشار ۸۰ هزار کارگر بازنشسته بخش صنعت و معدن نوب آهن اصفهان ناگزیر شد ۳۰۰ میلیارد بودجه اختصاص دهد. قول دادند، وعده دادند، قبول نکردیم و گفتیم باید بخشنامه کتبی بدهید و بالاخره اینرا به آنها قبولاندیم. البته این را بگویم که طب های دیگرمان از جمله افزایش دستمزد ما برای سال جاری از ماه ۶ پرداخت شده است و ۵ ماه اول سال را طلب داریم. همچنین تعدادی از ما قبل از سال ۸۸ بازنشسته شده‌اند و اکنون خواهان همسان سازی حقوقشان با کارگرانی هستند که بعد از این سال بازنشسته شده‌اند، و نه تنها این بلکه سطح دستمزد ما خیلی پایین است. ما یک زندگی درخور انسان می‌خواهیم. حقوق کارگران بازنشسته فوقش ۴۰۰ تا ۴۵۰ هزار تومان است و با این پول هیچ کاری نمیشود کرد و کفاف اولیه ترین نیازهای ما را نمیدهد. ما نیاز های درمانی داریم. ما مسکن مناسب می‌خواهیم. ما نوه و فامیل داریم و بالاخره برای اینکه سري به ما بزنند و جمع باشیم خرج و مخارج داریم. باید من بتوانم برای نوه ام یک بستنی بخرم. یک شکلات ناقابل بخرم. اما از کجا. همیشه باید شرمنده باشم. عمری هم کار کرده ام.

وقتی این سه ماه حقوق را گرفتیم همه خوشحال شدیم. احساس موفقیت میکردیم. راهمان را با اعتراضاتمان پیدا کردیم. اما این خوشحالی چند روز بیشتر دوام نداشت. بعدش تماما همان جهنم همیشگی. گرانی بیداد میکند. هر روز دوبرار قیمت عمده فروشی ها تغییر میکند. تورم بیداد میکند. گرانی وحشتناک است. قیمت مواد غذایی ۳۰ تا ۴۰ درصد افزایش یافته است. برنج، قند، شکر، روغن و غیره همه گران شده است. طلاق و جدایی زیاد شده. جنگ و جدال خانوادگی زیاد شده. امروز سکه را یک میلیون و صد و پنجاه تومان می‌فروختند. می‌خواهم بگویم فشار اقتصادی و نابسامانی اقتصادی همه گیر شده است. اقتصاد به کلی فلج شده است. خرید و فروشی صورت نمی گیرد. حتی در بانک ها پول نیست و مردم جلوی بانکها صف میکشند که پولشان را بگیرند. همین امروز در بانک محل ما دوستی میگفت که رفته پولش را بگیرد و در بانک پول نبوده. خیلی ها پولشان را میدهند سکه و ارز و دلار میخرند که بعدا گرانتتر بفروشند. کارخانجات بحال تعطیل درآمده است. حقوق کارگر را نمیدهند و با پولش ارز میخرند. هر روز دلار گرانتتر میشود و مردم از این وضعیت وحشت زده تر شده و وضعیت انفجاری است. همه میگویند وضع چنین نمی ماند. برای هیچکس این وضعیت قابل تصور نیست. فقط اینرا بگویم اوضاع انفجاری است. بهرحال ما با اعتراضاتمان موفق شدیم سه ماه حقوق معوقه مان را در چنین اوضاعی بگیریم.

بهمن ۱۳۹۰

است، مدت هاست که درخواست انجام معالجات پزشکی میکند اما از انجام معالجات برای وی ممانعت به عمل آمده است.

بنا بر این گزارش به تاریخ ۲۷ دی ماه، لباس این کارگر ۲۴ ساله در دستگاه بافندگی در یکی از کارخانه های فرش اصفهان گیر کرده و او را بزیر غلطک دستگاه کشانده که باعث مرگ وی شده است.



### بازگشت به مدیریت شورایی در تامین اجتماعی

در حال حاضر انتخاب مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی انتصابی است و هر موقع که خواسته شود تغییر میکند و این تغییرات مکرر مدیریتی باعث متضرر شدن سازمان و در نهایت کارگران خواهد شد.

ایلنا: یک فعال کارگری در شیراز گفت: اگر سازمان تامین اجتماعی مثل سابق شورایی اداره شود دارای استقلال بهتری خواهد بود. علی راستگو در گفتگو با ایلنا با بیان مطلب فوق اظهار داشت: در حال حاضر انتخاب مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی انتصابی است و هر موقع که دولت بخواهد تغییر می‌کند و این تغییرات مکرر مدیریتی باعث متضرر شدن سازمان و در نهایت کارگران خواهد شد.

به نقل از خبرگزاری کار ایران ایلنا

۱۳۹۰/۱۱/۰۵



### اعتصاب و تجمع کارگران نی بُر کشت و صنعت کارون شوشتر

در پی عدم محاسبه سنوات بیمه‌ای و طرح طبقه بندی مشاغل، جمعی از کارگران نی بُر کشت و صنعت کارون شوشتر، کارگران معرض در مقابل درب ورودی کارخانه تجمع کردند.

ایلنا: يك فعال کارگري در خوزستان خبر داد: بیش از هزار کارگر معترض «نی بُر» کشت و صنعت کارون شوشتر در اعتراض به عدم محاسبه سنوات بیمه‌ای و افزایش نیافتن دستمزد خود در سال‌های گذشته، دست از کار کشیده و در مقابل درب ورودی کارخانه تجمع کرده‌اند.

بهنام که پیش از دستگیری مشکل جسمی نداشته به هنگام بازجویی ها در بند ۲۰۹ اوین و در اثر ضرب و شتم برای اعتراف دچار مشکلات در ناحیه ی گوش چپ شده است و اکنون نیز به شدت از درد گوش و مشکلات در پرده ی گوش رنج میبرد. وی همچنین در اثر سو تغذیه و مشکلات جسمی دیگری که در زندان بر او عارض شده است از سر درد شدید نیز رنج میبرد.

ابراهیم زاده بارها در مورد وضعیت جسمی اش اطلاع داده و درخواست معالجه کرده اما پاسخی که به او داده اند این بوده که بعد از آزادی خودت دنبال مداوا خواهی رفت!

این در حالی است که مشکلات جسمی در زندان و در زمان بازجویی ها برای بهنام پیش آمده است و او بیش از سه سال دیگر برای اتمام محکومیت ۵ ساله ی خود در زندان خواهد بود.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن محکوم کردن این برخورد غیر انسانی با بهنام ابراهیم زاده خواهان پیگیری فوری مراحل مداوای او و اعزام بهنام به بیمارستان تخصصی می باشد.

به نقل از: کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری- ۲۶ دی ماه



### حوادث کارگری

۲۶ دی ماه

اپراتور یک چرتقیل در کارخانه سیمان در حال ساخت "خمسه" همراه با چرتقیل سقوط کرد و در دم جان باخت این کارخانه در چهل کیلومتری زنجان و در جاده بیجار زنجان قرار دارد و بیش از صد کارگر در آن مشغول بکار هستند. تمام کارگران این کارخانه بصورت روزمزد کار میکنند و هیچ قرارداد قانونی با آنان بسته نشده است.



مرگ کارگر ۲۴ ساله زیر غلطک دستگاه بافندگی کارخانه فرش در اصفهان

وی همچنین گفت: مدیریت سازمان تامین اجتماعی کاملا تحت اختیار دولت قرار گرفته . هم اکنون دو سوم اعضای هیات امنای وزارت رفاه دولتی هستند و عملا نمایندگان کارگری هیچ گونه اختیاری در اتخاذ تصمیمات ندارند.

به نقل از خبرگزاری کار ایران ایلنا

۱۳۹۰/۱۱/۰۵



گزارشی از برگزاری مراسم گرامیداشت، کارگران جانبازته مس خاتون آباد کرمان

امروز، ۴ بهمن ماه ۱۳۸۷، کارگران و فعالین کارگری متشکل در " کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری"، " شورای زنان سنندج" و جمعی از دانشجویان در اقدامی مشترک، در پنجمین سالگرد کشتار کارگران خاتون آباد، در دامنه کوه آبیدر سنندج، از ساعت ۱۰/۳۰ صبح تا ساعت ۱۲ بعدازظهر دست به تجمع زدند.

گرامی داشت یادمان، کشتار کارگران خاتون آباد، به یک سنت در بین کارگران و فعالین کارگری در داخل و خارج از ایران تبدیل شده و در همین راستا هر ساله در چنین روزی فعالین جنبش کارگری در سنندج به هر شکل ممکن تجمعات خاصی را سازماندهی و یاد عزیزان جانبازته را گرامی و نسبت به این کشتار و وحشی گری حامیان سرمایه اعتراض میکنند.

در این مراسم، ابتدا به یاد تمامی جان باختگان راه رهائی یک دقیقه سکوت اعلام شد. در ادامه سرود "انترناسیونال" سرود همبستگی جهانی کارگران، با همکاری و همراهی جمعی حاضرین اجرا شد. پس از آن، شعری از ناظم حکمت تحت عنوان "ارتش گرسنگی پیش میرود" توسط یکی از شرکت کنندگان تقدیم گردید. سپس نماینده "شورای زنان" بیانیه ای را در ارتباط با کشتار کارگران خاتون آباد ارائه داد که مورد تأیید حاضرین قرار گرفت. و در ادامه قطعنامه ای در رابطه با کشتار کارگران خاتون آباد از طرف نماینده " کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" قرائت شد که در آن خواست هایی در راستای شناسائی عاملین کشتار کارگران خاتون آباد، خواست ایجاد تشکل و تجمع، آزادی فعالین کارگری در بند و محکوم کردن جنگ افروزی مطرح شد و در پایان نماینده دانشجویان در محکوم کردن کشتار کارگران خاتون آباد و همچنین پافشاری بر همکاری و اتحاد جنبش دانشجویی با جنبش کارگری مباحثی را ارائه کرد.

آقایار حسینی خاطرنشان کرد: این کارگران فصلی که به کار تخصصی بریدن نی اشتغال دارند خواستار اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و همچنین افزایش دستمزد ماهانه خود هستند. او افزود: عده ی زیادی از کارگران نی بر کشت و صنعت به سن بازنشستگی رسیده اما امکان بازنشسته شدن و استفاده از مزایای تامین اجتماعی را ندارند، علاوه بر این سازمان تامین اجتماعی کار این کارگران را جزء مشاغل سخت و زیان آور به حساب نمی آورد.

او یاد آور شد: در هفته اخیر یکی از کارگران نی بر کشت و صنعت کارون شوشتر در حین سوزاندن ساقه های نی شکر دچار حریق شد و بر اثر جراحات وارده فوت کرده است.

به نقل از خبرگزاری کار ایران ایلنا

۱۳۹۰/۱۰/۲۵



هزینه معیشتی کارگران ۷۰ درصد افزایش یافته است

بر اساس گزارش ایلنا: علیرضا محبوب رئیس فراکسیون کارگری مجلس گفت: با توجه به افزایش قیمت کالاهای داخلی که به شدت با قیمت ارز گره خورده، هزینه معیشتی کارگران ۷۰ درصد افزایش یافته است، بنابراین افزایش دستمزد کارگران نیز باید تابع تورم موجود باشد.

به نقل از خبرگزاری کار ایران ایلنا

۱۳۹۰/۱۰/۳۰



حضور نمایندگان کارگری در هیات امنای وزارت رفاه تشریفاتی است.

علی دهقان کیا عضو هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران در گفتگو با خبرنگار ایلنا گفت:

هم اکنون دو سوم اعضای هیات امنای وزارت رفاه دولتی هستند و عملا نمایندگان کارگری هیچ گونه اختیاری در اتخاذ تصمیمات ندارند و حضور نمایندگان کارگری در هیات امنای وزارت رفاه تشریفاتی است.



از رضا شهابی حمایت کنیم

محمود صالحی

کارگران، مردم آزاده، تشکل های کارگری!

رضا شهابی از فعالین کارگری و عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، مدت ۱۹ ماه است که توسط مقام های امنیتی و قضایی بازداشت شده و به اتهام های بی اساس و واهی در زندان بسر می برد. این در حالی ست که بر اساس آئین دادرسی موجود، هر متهمی که به حکم قانون بازداشت می شود، باید بعد از ۲۴ ساعت تفهیم اتهام شده و سپس برای او قرار وثیقه صادر شود. اما رضا شهابی این کارگر آگاه را فقط به اتهام آشنا کردن کارگران با حقوق خود و دفاع از مطالبات آنها و تلاش برای ایجاد سندیکای کارگری و عضویت در آن، ماه هاست که در بدترین شرایط، در زندان محبوس کرده اند. در چنین شرایطی، این فعال کارگری در اعتراض به بلاتکلیفی خود، برای بار دوم دست به اعتصاب غذا زده و بر اساس خبرهای منتشره، رضا شهابی از تاریخ ۹/۱/۹۰ اعتصاب غذای خود را آغاز کرده و تاکنون ۲۷ روز از اعتصاب او می گذرد.

من به عنوان یک کارگر، حمایت خودم را از اعتصاب غذای رضا شهابی اعلام می کنم. هم چنین ضمن پشتیبانی از تلاش ها و اقدامات کمیته دفاع از رضا شهابی، از همه کارگران، تشکل های کارگری و نهادهای مدافع حقوق بشر، می خواهم که متحدانه خواستار آزادی بی قید و شرط، رضا شهابی شوند. بدون شک مسئولیت عواقب این اعتصاب غذا و تغییر وضعیت جسمی رضا بر عهده مسئولین این پرونده و مقام های قضایی است.

رضا شهابی عزیز!

**Weblog: [controlkargari.wordpress.com](http://controlkargari.wordpress.com)**

**E-mail: [control.kargari@gmail.com](mailto:control.kargari@gmail.com)**

**زنده باد سوسیالیسم**

واقعیت این است که همواره روند مبارزه کارگران در برابر مناسبات سرمایه داری، شریف ترین انسان ها و دوستان عزیز بسیاری را از ما گرفته و به شکل های مختلف زیر فشار گذاشته است؛ اما بار دیگر کارگران و فعالین پیشرو و معتقد به مبارزه طبقاتی، با توان و قدرت بیشتر به میدان آمدند و در برابر نظم سرمایه ایستادگی کرده و خواهان پایان دادن به هر گونه نابرابری در جامعه سرمایه داری شده اند.

رضای عزیز! امروز شما بعد از تحمل ماه ها زندان و به خواست خود و برای پایان دادن به بی عدالتی در نظام موجود، به این شکل از مبارزه روی آوردید. من به عنوان کسی که شخصا در گذشته با مشکل بلاتکلیفی در زندان مواجه بوده ام و می دانم که در شرایطی، راهی جز اعتصاب غذا، برای زندانی نمی ماند، به شما و تصمیمی که اتخاذ نموده اید احترام می گذارم و از آن حمایت خواهم کرد. شما با جسم خود، که چیزی جز گوشت و استخوان نیست، در برابر نظم سرمایه داری که به شکل های مختلف، طبقه کارگر و پیشروان کارگری را به تمکین وا می دارد، ایستاده گی کردید. مناسباتی که در آن کارگران و رهبران کارگری زندانی شده و با خطر مرگ روبرو می شوند، تا صاحبان سرمایه، روز به روز به انباشت ثروت و سود بیشتر برسند.

رضا شهابی عزیز! مطمئن باشید که ما هم در برابر این بی عدالتی و نابرابری خواهیم ایستاد و از شما حمایت و پشتیبانی می کنیم و در هیچ شرایطی، شما را تنها نخواهیم گذاشت.

درد بر رضا شهابی

محمود صالحی - ۲۶/۹/۱۳۹۰